

## بررسی تحلیلی حجاب از دیدگاه ادیان سامی (اسلام، یهود و مسیحیت)

### چکیده

این پژوهش حجاب را در چهار چوب ادیان سامی با روش توصیفی - تحلیلی محتوایی و با رویکرد نظری و اسنادی، به تحقیق درباره صحت و سقم این موضوع پرداخته و مستندات دینی حجاب را در سه دین اسلام، یهود و مسیحیت تبیین و تشریح کرده است. حجاب پرتوئی از آفرینش الهی است که وجود آن و زمینه ساز رشد و کمال آدمی تا مراتب عالی انسانیت است. آیات نورانی قرآن کریم این حکم الهی را به نحو مطلوب تبیین و سیره ی قرآنی معصومین (ع) آن را به بهترین شکل به منصفه ظهور و اجراء رسانده اند در این پایان نامه سعی شده حجاب به عنوان یک خواسته فکری و عقلانی انسانی با رویکرد به جایگاه نهاد خانواده نه به عنوان نتیجه تعامل فرهنگی بین فرهنگ ها از منظر قرآن کریم ارائه گردد. درباره حجاب در اسلام، اطلاعات کافی داریم. اما حجاب در آئین مسیحیت که تابع آئین یهود می باشد، بر اساس اصول یهود حداقل حجاب برای دختران و زنان، پوشش موی سر هنگام نماز و دعا، در مقابل افراد نامحرم و پوشاندن دست ها حداقل تا زیر آرنج و پاها تا مچ پا می باشد. تحقیق حاضر مشتمل بر ۳ فصل و هر فصل شامل چندین بخش می باشد. فصل نخست: کلیات تحقیق و مباحث مقدماتی که در آن، تعریف مباحثی از قبیل حجاب و واژگان آن شامل (ستر، حیا، عفاف، خمار و جلباب) می باشد که در ۴ بخش از بُعد لغت، اصطلاح، قرآن و همچنین به بررسی پیشینه ی حجاب، تاریخچه، فلسفه و... و در فصل دوم: حجاب در آئین مسیحیت، یهود و پیش از آن در پنج بخش، ادیانی از قبیل: زرتشت، هند، ابراهیم و... در آئین یهود، مسیحیت و... و در فصل سوم حجاب در آئین اسلام، که شامل هفت بخش است. که در آن: آیات ۲۹ تا ۲۷ سوره نور و آیات حجاب: (نور / ۶۰، ۳۳، ۳۱، ۳۰ و احزاب / ۵۹) را از تفاسیر مختلف: نظرات شیعه و سنی، و روایات و احادیث ائمه معصومین (ع) و دیگر بزرگان اهل ادب و نیز به اهمیت و فضیلت حجاب در سیزده حضرت فاطمه (س) و در پایان به مقایسه حجاب در ادیان سامی و پاسخ به شبهات پرداخته شده است.

**کلمه های کلیدی: حجاب، ستر، جلباب، پوشش، نگاه، عفاف، اسلام، یهود، مسیحیت**

## مقدمه

پوشش از ابتدای خلقت همواره از نیازهای اولیه به شمار می رفته و با گذشت زمان و رشد انسان و خروج از حالت بدویتی، طرح لباس، جنس و حالت آن نیز تغییر پیدا کرده و در کنار سایر جنبه های زندگی بشر به پیش رفت خود ادامه داده است تا حدی که نه تنها پوشش بدن، متناسب با شرایط اقلیمی تغییر کرده، بلکه همسو با پیشرفت تمدن، فرهنگ و متناسب با آداب و رسوم و اعتقادات مردم دگرگونی های بی شماری را در طول تاریخ داشته است. عوامل اقتصادی، اجتماعی و ارتباطات نیز در تکامل و تنوع پوشش انسان نقش بسزایی داشته است. باوجود این که مسأله ی حجاب از مسایل مهم دین اسلام است و در آیات و روایات نیز به کرات درباره ی آن سخن گفته شده است و قرآن کریم نیز واجب بودن آن را بر بانوان و زنان مورد تاکید قرار داده است، متأسفانه می بینیم که در جامعه، برخی از بانوان در امر حجاب کوتاهی کرده و آنطور که باید و شاید نسبت به پوشش خود و حجاب اسلامی حساسیت نشان نمی دهند. تحقیقات انجام یافته عوامل مختلفی را در بدحجابی بانوان مورد تایید قرار داده اند. میزان التزام والدین به اعتقادات و رفتارهای مذهبی، گرمی در روابط با والدین و میزان التزام دوستان به اعتقادات و رفتارهای مذهبی، خویشن داری و در نهایت وضعیت اقتصادی از جمله عوامل موثر بر عدم رعایت شئون اسلامی و حجاب است. (نیک منش، ۱۳۹۰: ص ۱) « در واقع پوشش و حجاب یکی از احکام ضروری اسلام به شمار می رود و خداوند متعال برای ارج نهادن به مقام والای زن، پوشش و حجاب را بر او واجب کرد تا در سایه عفاف و تقوی به مقام قرب الهی نایل شود.» (قرآنی، ۱۳۸۳: ص ۳۷ و ص ۲۱۳)

واژه حجاب: هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. (مطهری، بی تا: ص ۶۳)

در اصطلاح: به نقابی گفته می شود که زنان چهره خودشان را بدان می پوشانند و یا به چادری که زنان سر تا پای خود را بدان پوشش می دهند، اطلاق می گردد (معین، ۱۳۴۶، ج ۲: ص ۲۳۱۹).

حجاب از بُعد لغت مترادف "ستر" است که به معنای پوشیدن، پوشش، حائل، پرده، حاجب و مانع است. (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ص ۲۳) به نقل از (فراهیدی، کتاب العین) (در قرآن این کلمه در هشت مورد به کار رفته که بیش تر به معنای حاجز، مانع، حایل و پرده است. (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ص ۴۶) مراد از معنای اصطلاحی حجاب، پوشش اسلامی است و معنای پوشش اسلامی براساس آنچه از متون اسلامی مثل قرآن و احادیث استفاده می گردد. این است که بانوان هنگام مواجهه و معاشرت با افراد نامحرم بدن خود را بپوشانند و به جلوه گری و خودنمایی نیز نپردازند. (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ص ۲۳-۲۴) حجاب در شریعت اسلام: (قرآن و روایات): خداوند در سوره مبارکه ی احزاب- از موضوع حجاب سخن گفته است (سیوطی، ۱۴۰۳: ج ۱ ص ۴۱-۴۳) سه فرمان درباره ی حجاب داده است که گونه های مختلف حجاب را بیان می کند و دو فرمان آن پیش از همه متوجه شخص پیامبر (ص) و خانواده آن حضرت و درگام بعدی، متوجه مؤمنان و جامعه اسلامی است. باید گفت که حجاب اسلامی تنها به معنی پوشش بدن و موی سر نیست بلکه حجاب نگاه، حجاب استماع، حجاب سخن و حجاب دل نیز داخل در این امرند "إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا" (اسرا/۳۶). به عبارت دقیقتر «حجاب یعنی پوشش هر چیزی که برای جنس مخالف و خود شخص، محرک باشد حال این پوشش اعم از پوشش و اختفاء بدن و مو یا بوی خوش یا آواز و صوت است بنابراین به زنی هم که بوی خوش خود را بر نامحرم عرضه می کند یا از روی نرمی و ناز یا شوخی و مطایبه با مرد سخن می گوید یا ابایی از لمس و تماس با نامحرم ندارد بدحجاب و بدعفت گفته

می شود.» (قرائتی، ۱۳۸۹: ص ۴۸۰) که در این خصوص خداوند در قرآن در آیات ۳۰ و ۳۱ و ۶۰ سوره نور و همچنین در آیات ۳۲ و ۳۳ و ۵۳ و ۵۹ سوره احزاب به وضوح لزوم حجاب را مطرح می فرماید. بدون شک، پوشش زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین اسلام است. در روایات نیز پوشیدن جامه ی بدن نما و نازک، نزد نامحرم (سجستانی، سنن ابی داوود، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۸۳)، آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۱۰۳، ص ۲۴۳)، اختلاط فساد برانگیز زن و مرد (سپهر، ۱۳۷۷: ج ۲)، دست دادن و مصافحه با نامحرم (همان، ص ۱۶۳) و تشبه به جنس مخالف (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۱۰۳، ص ۲۵۸) منع شده است و مردان با غیرت، (پاینده، نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ص ۱۴۳) به هدایت و کنترل همسر و دختران، عفت نسبت به زنان مردم (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق ج: ۱۴، ص ۱۳۸) و دوری از چشم چرانی توصیه شده اند. برداشت علمای سعودی از حجاب اسلامی، پوشاندن تمام بدن از جمله: صورت و دست هاست. پلیس مذهبی عربستان همواره بر این نوع پوشش زنان تاکید داشته و زنانی را که چهره خود را در انظار عموم می گشودند به حبس و تازیانه محکوم کرده است. تندروری های حنبلی در قضیه حجاب از عوامل محدود کننده زنان سعودیست. دولت عربستان، رعایت حجاب رادردوشهرجده و ریاض آزاد اعلام کرده است. پوشاندن دست ها و صورت برای تمام دخترانی که به بلوغ رسیده اند اجباریست. مدارس سعودی تمام دخترانی را که بیش از ده سال سن دارند مجبوره پوشیدن نقاب می کنند. (عبداله پور، ۱۳۹۰: ص ۱۷۴-۱۷۵)

«این آیه حجاب را برای عقیف شناخته شدن زنان مسلمان و دور بودن از آزار و اذیت آنان توسط مردان بیان می کند و اگر اشتباه نکنم، آیه مذکور پوشش را بهتر می داند نه واجب. به طور خلاصه آیاتی که امر به انجام کاری نکرده یا از کاری نهی نکرده اند و فقط انجام دادن آن و یا ترک آن را بهتر می دانند را می توان به حرام بودن آن عمل نسبت داد.» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴: تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب) در اینکه منظور از «جلباب» چیست مفسران و ارباب لغت چند معنی برای آن ذکر کرده اند: ۱ - ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است و سر و گردن و سینه ها را می پوشاند. ۲ - مقنعه و خمار (روسری). ۳ - پیراهن گشاد. گرچه این معانی با هم متفاوتند ولی قدر مشترک همه آنها این است که بدن را به وسیله آن پوشاند (ضمناً باید توجه داشت «جلباب» به کسر و فتح جیم هر دو قرائت می شود). اما بیشتر به نظر می رسد که منظور پوششی است که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است چنانکه نویسنده «لسان العرب» روی آن تکیه کرده است. و منظور از «بدنین» (نزدیک کنند) این است که زنان «جلباب» را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آنها را محفوظ دارد، نه اینکه آن را آزاد بگذارند به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد، و به تعبیر ساده خودمان لباس خود را جمع و جور کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب) اخطار شدید به مزاحمان و شایعه پراکنان! به دنبال نهی از ایذاء رسول خدا صلی الله علیه و آله و مؤمنان در آیات گذشته، در اینجا روی یکی از موارد ایذاء تکیه کرده و برای پیشگیری از آن از دو طریق اقدام می کند. در قسمت اول می گوید: «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنین (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص: ۶۳۱) بگو: جلباب ها (روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است» و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند "يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلرِّجَالِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ" (احزاب/ ۵۹) هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی اعتنا نباشند مثل بعضی از زنان بی بندوبار که در عین داشتن حجاب آن چنان بی پروا و لأبالی هستند که غالباً قسمت هایی از بدن های آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می کند. و از آنجا که نزول این حکم، جمعی از زنان با ایمان را نسبت به گذشته پریشان می ساخت، در پایان آیه می افزاید: «خداوند همواره آمرزنده و مهربان است» "وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا" (هر گاه از شما تاکنون در این امر کوتاهی شده چون بر اثر جهل و نادانی بوده است خداوند شما را

خواهد بخشید، توبه کنید و به سوی او بازگردید، و وظیفه عفت و پوشش رابه خوبی انجام دهید. (طبرسی، ۱۳۸۰: تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب) و در روایات نیز به تاثیر روانی حجاب بر زن اشاره شده است؛ امام علی (علیه السلام) در وصیت خود به امام حسن (علیه السلام) می فرماید: "اَكْفُفْ عَلَيْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ يَا هُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ اَبْقَى عَلَيْنَ" (نهج البلاغه، ۱۳۸۶ / نامه ۳۱) زنان را در پرده ی حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند، زیرا که سخت گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. پوشش زن در ادیان بزرگ الهی: نگرشی به دیگر ادیان الهی انسان را به این مهم منتج می کند که «عفاف و حجاب» و حفظ آن همواره مورد تأکید خداوند متعال در تمام ادوار و در دوران همه پیامبران الهی بوده است. در آیین زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام، حجاب بر زنان امری لازم بوده است. کتاب های مقدس مذهبی، دستورات و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان چهارگانه، در ادیان الهی به خصوص زرتشت، یهود و مسیحیت مسئله ی حجاب و رعایت آن مطرح بوده است. (قرائتی، مجموعه فیش های تبلیغی ۳، ص ۴) حجاب، در آئین مقدس حضرت ابراهیم و حضرت نوح (علیه السلام) حائز اهمیت بوده است. در کتاب تورات چنین می خوانیم: «رفقه چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ خادم گفت: آقای من است. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید.» (سفر پیدایش، باب ۲۴، آیه ۶۴ و ۶۵) از این بیان روشن می شود که پوشش زن در مقابل نامحرم در شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام) وجود داشته است؛ زیرا «رفقه» در مقابل اسحاق که به او نامحرم بود، از شتر پیاده شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیافتد. حجاب در آئین هند: آنچه مسلم است این است که حجاب هندی نیز نظیر حجاب ایران باستان سخت و شدید بوده است. از گفتار ویل دورانت در جلد دوم تاریخ تمدن برمی آید که حجاب هندی به وسیله ایرانیان مسلمان در هند رواج یافته است. نهرو می گوید: «متأسفانه این رسم ناپسند کم کم یکی از خصوصیات جامعه اسلامی شد و هند نیز وقتی مسلمانان بدین جا آمدند آن را آموخت.» به عقیده نهرو حجاب هند به واسطه مسلمانان به هند آمده است ولی اگر تمایل به ریاضت و ترک لذت را یکی از علل پدید آمدن حجاب بدانیم باید قبول کنیم که هند از قدیم ترین ایام، حجاب را پذیرفته است، زیرا هند از مراکز قدیم ریاضت و پلید شمردن لذات مادی بوده است. (مطهری، بی تا: ص ۱۲)

پوشش و حجاب پیش از آیین زرتشت: نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند، آریایی ها بودند. پژوهش ها نشان می دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها، که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شلی بلند بر روی لباس ها بوده اند. (ضیاءپور، ۱۳۴۷: ص ۱۷-۲۶) این حجاب در دوران سلسله های مختلف پارس ها نیز معمول بوده است. بنابراین در زمان بعثت زردشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی حجابی کامل داشته اند. در عهد عتیق چنین آمده است: «... امر فرمود و شتی، ملکه را با تاج ملوکانه به حضور پادشاه بیاورند تا زیبایی او را به خلائق و سروران نشان دهد؛ زیرا که نیکو منظر بود اما؛ و شتی نخواست...» (عهد عتیق، کتاب استر، باب اول، آیه ۱۰)

پوشش و حجاب پس از نبوت زرتشت: در زمان ساسانیان که پس از نبوت زردشت است، افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. آیین زردشت که تاریخ آن را بین ۱۳۰۰ تا ۲۳۰۰ قبل از اسلام گفته اند. آیین پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است؛ از این رو، انسان ها را به پاکی و پاک دامنی فرا می خواند. در نقاشی ها و کنده کاری های باستانی ایران بسیار کم از زن تصویری به چشم می خورد. اگرچه زنان، کد بانوی خانه، مدیر و مدبر امور خانواده بودند، ولی حفظ حرمت ایشان با پوشیده داشتن ایشان رعایت می شد تا پاک دامنی آنها حفظ شده و از هر آسبایی در امان باشند. (موسوی، ۱۳۸۵: ص ۳۹)

حجاب در آئین یهود: بدون تردید مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تاکید می نمود. کاربرد واژه «چادر» و «برقع» که به معنای روپوش صورت است، در آن آیات، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می دهد. تورات تشبیه مرد و زن به

یکدیگر را نهی نموده، می گوید: متاع مرد برزن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این را کند، مکروه «یهوه» خدای توست (تورات، سفر تثئیه، باب ۲۲، فقره)

حجاب در آئین مسیحیت (که مسیحیت تابع آئین یهود بودند): مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، چراکه عیسی (ع) گفت: فکر نکنید که من آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را منسوخ کنم، بلکه آمده‌ام تا آن‌ها را به تحقق برسانم (عهد جدید، انجیل متی، باب ۷۰)، انجیل در موارد فراوان، بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است؛ در انجیل می‌خوانیم: همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت گو و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو، تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند، و خرد اندیش و عقیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبدا کلام خدا متهم شود. (انجیل، رساله پولس به تیتوس، باب دوم، فقره ۱ - ۶) راغب در مفردات می‌گوید: «عفت، حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌شود و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد.» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۱۶۴). فرق عفت با حجاب: عفت به پاکدامنی، تقوا، حیا و خوف درونی گفته می‌شود و حجاب از نمودها و تاثیرات بیرونی آن است. هرچه عفت درونی بیشتر باشد حجاب بیرون نیز کاملتر می‌شود. فرق حیا با عفاف: از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نقل شده: حیا و ایمان ملازم یکدیگرند همانند دو چیزی که به یک ریسمان بسته شده باشند، این دو در بود و نبود، تابع یکدیگرند، پس هرگاه یکی از آن دو رفت دیگری نیز می‌رود. " **الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ، فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ**". (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق: ج ۸، ص ۵۱۶) «عفاف» اصطلاحی اخلاقی است. عالمان اخلاق، عفاف را در شمار مهم‌ترین فضایل اخلاقی جای داده‌اند و فیلسوفان در حکمت عملی به آن پرداخته‌اند. ملاصدرا در اسفار، عفاف را چنین تعریف می‌کند: «عفاف، منشی است که منشأ صدور کارهای معتدل می‌شود؛ نه پرده‌داری می‌کند و نه گرفتار خمودی می‌شود.» (ملاصدرا، شرح اسفار، ۱۹۹۹، ج ۴، ص ۱۱۶). «عفت و حیا خصلتی انسانی است که تاریخ بر نمی‌تابد و مورد پذیرش تمامی انسان‌ها بوده و هست و انسان‌های بزرگ و ادیان آسمانی نیز بدان توصیه کرده‌اند. در شریعت اسلامی نیز بر آن تأکید فراوان شده است. همین خصلت انسانی یکی از فلسفه‌های اصلی پوشش آدمی بوده است» (مهریزی، ۱۳۸۵: ص ۳۹)

### هدف اصلی تحقیق

تعیین جایگاه حجاب در ادیان سامی (اسلام، یهود و مسیحیت)

### سوالات پژوهشی

- محدوده حجاب در سه دین بزرگ ابراهیمی چیست؟
- آیا در دین یهود، حجاب به معنی ضرورت پوشاندن موی سر، برای زنان واجب است؟
- آیا در دین مسیحیت، حجاب به معنی ضرورت پوشاندن موی سر، برای زنان واجب است؟
- حدود حجاب در اسلام کدامند؟

### روش تحقیق

در این تحقیق روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی محتوایی است. جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و فیش برداری از کتب، مجلات و سایت‌های تخصصی اینترنتی استفاده شده است و اطلاعات مورد نیاز گردآوری و تحلیل شده است.

## پیشینه تحقیق

طبق بررسی های به عمل آمده در خصوص حجاب علاوه بر قرآن مجید، نهج البلاغه، نهج الفصاحه و گفتار ائمه معصومین (علیهم السلام) کتاب ها و مقاله های زیادی نوشته شده است که در قسمت منابع به تعدادی از آنها اشاره شده است. برای نمونه: شهید مطهری در کتاب مساله حجاب به تاریخچه، علت و فلسفه حجاب اشاره کرده است و همچنین در تفاسیر گوناگونی که در رابطه با کلام ... مجید نوشته شده در خصوص آیات حجاب نیز بحث هایی به میان آمده است. از جمله: «تفاسیر المیزان، نور، نمونه، مجمع البیان و ...» که در ذیل به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه ی نور در خصوص نگاه و چشم پوشی و در ذیل آیه ۵۹ سوره مبارکه ی احزاب به محدوده حجاب پرداخته شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (ج ۱۶) که ۵۹۳ صفحه و (ج ۱۵) که ۶۱۷ صفحه می باشد ذیل آیات حجاب در خصوص نگاه و چشم پوشی و به محدوده و حکم حجاب پرداخته است. در رابطه با نگاه از امام صادق (ع) روایتی آورده که درباره واجبات اعضاء فرمود: بر چشم واجب کرده که به آنچه خدا بر او حرام کرده ننگرد و از آنچه بر او حلال نیست اعراض کند و ایمان و وظیفه چشم این است. همچنین آورده که رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: دنبال نگاه به نامحرمان نگاهی دیگر مکن، که اولی برایت بس است و دومی را حق نداری و در خصوص محدوده و حکم حجاب، این چنین آورده: یعنی پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند، نزدیک تر است. در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی شوند یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نمی گردند.

قرائتی در تفسیر نور نیز، در سوره مبارکه ی نور از بعد نگاه و در سوره مبارکه ی احزاب به آفات بی حجابی اشاره شده است. و همچنین آورده است که:

- ۱- در امر به معروف، اول از خودی ها شروع کنیم سپس دیگران. "قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ"
- ۲- در احکام الهی، تفاوتی میان همسران و دختران پیامبر با دیگر زنان نیست. "لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءِ

## الْمُؤْمِنِينَ"

- ۳- پوشیدن لباسی که معرف شخصیت زن برای تأمین عفت و آبرو باشد، لازم است. "يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ"
- ۴- بهانه به دست بیمار دلان و مزاحمان عفت عمومی ندهید. (در آیات قبل هشدار به اذیت کنندگان بود، در این آیه تکلیف اذیت شوندگان را مطرح می کند). "يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ"
- ۵- رفت و آمد زنان در خارج از منزل، با حفظ عفت عمومی مانعی ندارد. "يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ"
- ۶- در امر به معروف و نهی از منکر، دلیل امر و نهی خود را بیان کنید. "فَلَا يُؤْذَيْنَ"
- ۷- نوع لباس مردم در جامعه، می تواند معرف شخصیت، مکتب و هدف آنها باشد. "يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ"
- ۸- سرچشمه ی بسیاری از مزاحمت های هوس بازان نسبت به زنان و دختران، نوع لباس خود آنهاست. "يُعْرَفْنَ فَلَا

## يُؤْذَيْنَ"

آیت الله مکارم شیرازی در ج ۱۷ در تفسیر نمونه که ۴۶۰ صفحه می باشد و ج ۲ که ۶۷۸ صفحه می باشد علاوه بر مبارزه بر چشم و ترک حجاب در خصوص مسئله فلسفه حجاب مطالبی را به میان آورده اینکه احکامی که برای رعایت حجاب برای زنان آمده به نحو احسن آنرا رعایت کنند و در فلسفه حجاب اشاره شده به اینکه اگر در جامعه تا سر حد یک عروسک یا یک کالای بی ارزش سقوط بکند و ارزش های والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می شود و تنها افتخار او، جوانی و زیبایی و خود نمایش می شود.

طبرسی در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه ی نور به پدیده برهنگی و چشم چرانی و زینت های آشکار و نهان اشاره کرده است. طبرسی در تفسیر مجمع البیان ج ۲۰ که ۵۰۰ صفحه می باشد در خصوص پدیده برهنگی و چشم چرانی و زینت های آشکار و نهان مباحثی به میان آورده در قرآن شریف هر کجا به پاکدامنی و پاکی ورزیدن سفارش شده منظور پاکدامنی و دوری گزیدن از بی عفتی است اما تنها در این آیه شریفه است که منظور پوشیدن اعضا و اندام های جنسی است امام صادق (ع) فرمود این شیوه برای دین و دنیای آنان سودمندتر و بهتر و برای پاک ماندن از اتهامات گوناگون موثرتر و به پروا نزدیکتر است و نیز به زنان لازم دانسته است اینکه سر و گردن و سینه و دست دیگر جایگاه های زینت و زیور خویش جز آنکه به طور طبیعی آشکار است برای مردان بیگانه هویدا نسازند. با این بیان آیه شریفه به پوشیده داشتن موارد ذکر شده یا جایگاه هایی که زر و زیورها در آنجاها قرار دارد سفارش شده است نه بر زر و زیور، چرا که به خود زر و زیور اگر در سر و گردن و دیگر جایگاه های خود نباشد می شود نگاه کرد.

شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب که ۲۶۴ صفحه می باشد در رابطه با تاریخچه، علت و فلسفه حجاب و... اشاره کرده است. در مورد تاریخچه حجاب قبل از اسلام، در برخی ملل حجاب بوده ولی به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است. علت های مختلفی از نظر فلسفی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی و روانی در مورد پیدایش حجاب ذکر کرده اند.

اما در مقام مقایسه ی حجاب در ادیان سامی (اسلام-یهود-مسیحیت)، کتاب مستقلی نوشته نشده است.

فقط یک مورد پایان نامه حوزوی در سطح دو و یک مورد پایان نامه دانشگاهی کارشناسی ارشد عبارتند از:

۱ - حجاب از دیدگاه یهود، مسیحیت و اسلام. / شیری، صغری (سطح ۲). دفاع: ۱۳۷۹

۲ - حجاب از دیدگاه زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام. / محمدی آشنایی، علی - دانشگاه قم دفاع: ۱۳۷۳ (پایان نامه ی مذکور به

صورت کتاب منتشر شده است. ناشر: قم نورگستر؛ تاریخ چاپ: ۱۳۸۰)

واژه حجاب هم به معنی پوشش و هم به معنای پرده و حائل است که البته غالب استعمال این لفظ در معنای دوم بوده است. هم چنین از گفتار اهل لغت می توان نتیجه گرفت که در زبان عرب، حجاب به پوششی گفته می شود که مانع از دیدن شیئی پوشانده شده می شود. برحسب اصل لغت هر پوشش حجاب نیست؛ آن پوشش حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است. در نتیجه تقوا و خودنگهداری اگر در قلمرو شهوات و خواسته های نفسانی باشد «عفت» نامیده می شود. و عفت؛ یعنی بوجود آمدن حالت نفسانی که به وسیله ی آن خواهش ها و تمایلات به کنترل شخص در آید به گونه ای که انسان به سوی حرام گرایش پیدا نکند.

عفاف و عفت، در لغت به معنای مناعت با خویشنداری آمده است؛ هم چنین به بازداشتن خویش از چیزی که حلال نیست

عفت می گویند. عفت، حالت نفسانی است که انسان را از غلبه شهوت باز دارد.

## حجاب در قرآن

آنگونه که قبلاً نیز بیان شده، علامه مطهری در مسئله حجاب آورده است که: استعمال این کلمه، بیش تر به معنی پرده است. در

قرآن این کلمه در هشت مورد به کار رفته که بیش تر به معنای حاجز، مانع، حایل و پرده است. (مطهری، بی تا: ص ۷۸)

آیات مربوط به کلمه حجاب که در سوره های مبارکه ی: «اعراف، اسراء، مریم، احزاب، صاد، فصلت، شوری و مطففین» آمده استنباط می شود که حجاب به معنای پرده و حائل است که حتی در بعضی آیات وجود این پرده نامرئی و معنای مجازی دارد. اینک برای روشن شدن مطلب آیات مربوطه را در ذیل از دیدگاه علامه طباطبایی مورد بحث قرار می دهیم.

بنابراین علامه طباطبایی در المیزان در خصوص این هشت مورد چنین بیان می کند:

۱- سوره مبارکه اعراف، آیه شریفه ۴۶: **"وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ"**: میان آن دو دسته (بهشتی ها و جهنمی ها) پرده ای خواهد بود و بر اعراف مردانی هستند که هر یک از آن دو دسته را از چهره هایشان می شناسند. در این آیه حجاب همان اعراف است، همان مکان مرتفعی که میان دو گروه بهشتیان و دوزخیان کشیده می شود. (طباطبائی، ۱۳۷۴ ج: ۸، ص ۱۶۹)

۲- سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۴۵: **"وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا"**: و وقتی که قرآن را می خوانی بین تو و بین کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند حجاب، سترکننده ای قرار می دهیم. در این آیه حجاب به معنای پرده هایی است اما منظور پرده ی لجاجت و تعصب و خودخواهی و غرور و جهل و نادانی است که حقایق قرآن را از دیدگاه فکر و عقل آنها پنهان می داشت و به آنها اجازه نمی داد حقایق روشنی هم چون توحید و معاد و صدق دعوت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را درک کنند. (همان، ج ۱۳، ص ۱۹۲ و ۱۹۱)

۳- سوره مبارکه مریم، آیه شریفه ۱۷: **"فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا"**: و در مقابل قومش پرده هایی انداخت پس ما روح خود را به سوی او فرستادیم که او در شکل انسانی بی عیب در مقابلش قرار گیرد. در این آیه منظور از حجاب، پوشش و پرده است ولی شاید این پرده، پرده ای نامری و مجازی بوده باشد. (همان، ج ۱۴، ص ۴۹)

۴- سوره مبارکه احزاب، آیه شریفه ۵۳: **"وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ"**: و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می خواهید از پشت پرده بخواهید. در اینجا منظور از حجاب، پوشش زنان نیست؛ بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است. (همان، ج ۱۶، ص ۵۲۸)

۵- سوره مبارکه صاد، آیه شریفه ۳۲: **"حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ"**: تا آن که از دیدگانش پنهان شدند. در داستان حضرت سلیمان نبی خداوند غروب خورشید را از طریق پشت پرده واقع شدن توصیف می کند و برای آن کلمه ی حجاب را می آورد. (همان، ج ۱۷، ص ۳۲۰)

۶- سوره مبارکه فصلت، آیه شریفه ۵: **"وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّا نَحْمِلُ غَرَامَهُمْ"**: می گویند دلهايمان درباره ی آن چه که تو مارا به آن دعوت می کنی در پرده هایی است و در گوش های ما سنگینی است و بین ما و تو فاصله است تو کار خود را انجام بده، حتماً ما هم کار خود را انجام می دهیم. حجاب در این آیه به معنای پوشش است. البته پوشش های جهل و تعصب و لجاجت و عناد و تقلیدهای کورکورانه که باعث شده فاصله هایی مانند پرده ای ضخیم بین آنها و پیامبر به وجود آید. (همان، ص ۵۷۶ و ۵۷۵)

۷- سوره مبارکه شوری، آیه شریفه ۵۱: **"وَمَا مَكَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ"**: و برای هیچ بشری این چنین نخواهد بود که خدا با او تکلم کند مگر از طریق وحی یا از پس پرده. در این آیه من وراء حجاب یا از پشت حجاب حرف زدن یا مانند حرف زدن خداوند در کوه طور با حضرت موسی علیه السلام است و یا من وراء حجاب تعبیری از رویای صادقه است. (همان، ج ۱۸، ص ۱۱۷-۱۱۵)

۸- سوره مبارکه مطففین، آیه شریفه ۱۵: **"كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ"**: این چنین نیست (که آنها می پندارند)، بلکه اینان در آن روز از پروردگارشان محجوبند. (مراد به محجوب بودن از پروردگارشان در روز قیامت محرومیشان از کرامت قرب و منزلت است، و شاید منظور محجوب بودن از رحمت خداست همین باشد). (همان، ج ۲۰، ص ۵۶۱).



همین آیات مربوط به حجاب که در سوره های فوق الذکر (اعراف، اسراء، مریم، احزاب، صاد، فصلت، شوری و مطففین) بیان شده، معنا و برداشت ما از حجاب از این آیات قرآنی، این چنین استنباط می شود که، کلاً حجاب در چهار معنا بکار رفته است. (که در همه موارد مفهوم همان پرده و حائل می باشد) که عبارتند از:

۱- حجاب همان اعراف است، همان مکان مرتفعی که میان بهشتیان و دوزخیان کشیده می شود.

۲- حجاب به معنای پوشش و پردهای است اما منظور پرده ی لجاجت و تعصب و خودخواهی و غرور و جهل و نادانی و عناد و تقلیدهای کورکورانه است.

۳- حجاب به معنای پوشش و پرده است ولی شاید این پرده ، پرده ای نامری و مجازی بوده باشد.

۴- حجاب به معنای حکمی اضافه بر پوشش است که مخصوص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است.

### حجاب در قرآن

می دانیم که در قرآن کریم درباره زنان پیغمبر دستورهایی خاصی وارد شده است . اولین آیه خطاب به زنان پیغمبر با این جمله آغاز می شود: **«يا نساء النبي لستن كأحد من النساء»**، یعنی شما با سایر زنان فرق دارید. اسلام عنایت خاصی داشته است که زنان پیغمبر چه در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان، در خانه های خود بمانند ، و در این جهت بیشتر منظوره های اجتماعی و سیاسی در کار بوده است. قرآن کریم صریحاً به زنان پیغمبر می گوید: **«و قرن فی بیوتکن»**، یعنی در خانه های خود بمانید. اسلام می خواسته است **«امهات المؤمنین»** که خواه ناخواه احترام زیادی در میان مسلمانان داشتند از احترام خود سوء استفاده نکنند، و احیاناً ابزار عناصر خودخواه و ماجراجو در مسائل سیاسی و اجتماعی واقع نشوند. و چنان که می دانیم یکی از **«امهات المؤمنین»** عایشه است که از این دستور تخلف کرد ، ماجراهای سیاسی ناگواری برای جهان اسلام به وجود آورد. (مطهری، ۱۳۹۱: ج ۱۹، ص ۴۳۱). به هر حال آیه ای که در آن آیه، کلمه «حجاب» به کار رفته آیه ۵۳ از سوره احزاب است که می فرماید: **«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»** یعنی اگر از آنها متاع و کالای مورد نیازی مطالبه می کنید از پشت پرده از آنها بخواهید. (در اصطلاح تاریخ و حدیث اسلامی هر جا نام «آیه حجاب» آمده است مثلاً گفته شده قبل از نزول آیه حجاب چنان بود و بعد از نزول آیه حجاب چنین شد ، مقصود این آیه است که مربوط به زنان پیغمبر است (نیشابوری، صحیح مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۵۱ - ۱۴۸) ، نه آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور که می فرماید: **«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»** و **«قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»** یا آیه ۵۹ سوره احزاب که می فرماید: **«يَدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ»**.

نوع دوم پوشش حجاب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است: **«يا أيها النبي قل لأزواجك و بناتك ونساء المؤمنین يدنین علیهن من جلابیبهن ذلك أدنی أن يعرفن ولا یؤذین و كان الله غفوراً رحیماً»** (سوره احزاب / آیه ۵۹) «ای پیامبر ، به زنان و دخترانت و زنان مؤمن بگو: حجاب های خود را به هم نزدیک سازند تا با این پوشش بهتر شناخته شوند و از تعرض هوس رانان آزار نینند و خداوند بخشنده و مهربان است.»

علامه طباطبائی در توضیح کلمه جلابیب می فرماید: «حجاب جامه ای است سرتاسری که تمامی بدن را می پوشاند و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می شود و منظور از جمله «پیش بکشند مقداری از حجاب خود را»، این است که آن را طوری بپوشند که گلو و سینه هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد.» (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ص ۳۴۰)

همچنین در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه آورده است: **«الجلابیب جمع حجاب و هو ثوب تشتمل به المرأه فیغطی جمیع بدنها او الخمار الذی تغطی به رأسها و وجهها»**. «جلابیب جمع حجاب است و آن لباسی است که زن آن را دربر می کشد

و همه بدن خود را می پوشاند یا مقنعه ای است که سر و صورت خود را به آن می پوشاند». (همان، ص ۳۶۱). زمخشری نیز در کشف به نقل از ابن عباس همین معنی را به کار برده است و می گوید: «**الرءاء الذی سینه من فوق الی اسفل**». «در جلباب ردایی است که سراسر بدن را از بالا تا پایین را می پوشاند». (زمخشری، ۱۳۵۲: ص ۵۵۹).

«جلباب لباسی بزرگ تر از سرپوش و کوچک تر از رداست که زن سر و سینه خود را با آن می پوشاند و گفته شده است لباسی بزرگ است که از محلفه کوتاه تر است و زن آن را می پوشد و گفته شده است همان ملحفه است.» (بیرقی اکبری، ۱۳۷۷: ص ۴۴-۴۶) واژه ی ادناء در تفاسیر «هم به معنای دنو (نزدیک کردن) آمده.» (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ج ۴، ص ۲۰۳) و «هم به معنای ارحاء و اسدال و آویختن.» (زمخشری، ۱۳۵۲: ص ۵۶۵)

آیه شریفه می فرماید: «**يَدْنِيْنَ عَلِيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ ذَلِكْ اَدْنٰى اَنْ يَعْرِفْنَ فَلَآ يُوْذِيْنَ ...**» معنای آیه این است که زنان مسلمان باید جلباب های شان را به خود نزدیک کنند یا بر سر بیاویزند تا شناخته شوند به اینکه زن مسلمان آزاد هستند.» (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۲۰۳) یا «شناخته شوند به این که پوشیده و با عفت هستند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ص ۳۶۱) علاوه بر مباحث لغت شناسی، چند نکته ویژه نیز در آیه ی جلباب وجود دارد:

۱- تأخیر نزول آیات مورد نظر در سوره ی احزاب پس از آیات خمار در سوره ی نور. «با توجه به مسئله تدریجی بودن احکام، این نظر محتمل است که آیه ی خمار دستور نخستین و آیه ی جلباب دستور نهایی آن است؛ حجاب برگزیده و برتر مورد نظر اسلام حجاب جلباب است.» (عابدینی، ۱۳۸۶: ص ۷).

۲- عمومیت آیه ی جلباب بر همه ی زنان مؤمن و زنان و دختران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان یک حکم نهایی و استثنا ناپذیر. «هدایت خواه، ۱۳۷۴: ص ۱۸۴)

۳- دستور بر نحوه ی پوشش جلباب با عنوان «**يَدْنِيْنَ عَلِيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ**» با چیزی مانند عبا و چادر سازگارتر است تا با لباس و روسری؛ زیرا شکل لباس سراسری به گونه ای است که باید اطراف آن را به یکدیگر نزدیک کرد و بر روی هم قرار داد تا بدن را بپوشاند.

۴- اثر اجتماعی پوشش جلباب در این آیه ی شریفه ذکر شده است در حالی که این اثر برای پوشش خمار بیان نشده: «**ذَلِكْ اَدْنٰى اَنْ يَعْرِفْنَ فَلَآ يُوْذِيْنَ**»

این پوشش جلباب نزدیک ترین چیزی است که به وسیله ی آن ایمان و عفاف تعیین می یابد و همان طور که گفتیم به این وسیله زنان مؤمن و عقیف بهتر شناخته می شوند تا از تعرض هوسرانان آزار نبینند؛ از همین رو اراذل و اوباش مجبور می شوند حساب این زنان متین و پوشیده را از زنان کنیز و .... جدا نمایند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ص ۵۳۲)

زمخشری آن را لباسی وسیع تر از خمار و کم تر از رداء دانسته اند که زن آن را بر سرش می اندازد به طوری که زیادی آن سینه را هم می پوشاند. (زمخشری، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بی تا، ج ۳، ص ۵۵۹)

ابن عربی مالکی در کتاب احکام القرآن آورده است: «**اختلف الناس فی الجلباب علی الفاظ متقاربة، عمادها انها لثوبا لذی یستر بها لبدن**»؛ در معنای جلباب اختلاف شده است، اما آن چیزی که می توانیم به آن اعتماد کنیم لباسی است که تمام بدن را می پوشاند. در تفسیر نسفی، تفسیر ابوالفتوح رازی، تفسیر شریف لاهیجی و چند تفسیر دیگر نیز تصریح شده که جلباب همان چادر است. (ابن عربی، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۱۵۸۵). در تفسیر مجمع البیان اقوال مختلفی بیان شده است. از ابن عباس و مجاهد نقل است که گویند: جلباب مقنعه و روسری زن است یعنی با آن بپوشند سر و گردنشان را هرگاه برای حاجتی بیرون روند برخلاف کنیزهایی که با

سر و گردن باز بیرون می روند. جبائی و ابی مسلم گویند: مقصود از جلباب پیراهن، لباس، روسری و هر چیزیست که زن با او پوشیده می شود. (طبرسی، ۱۳۸۰: ج ۲۰، ص ۱۷۷-۱۷۶). شیخ طوسی درباره جلباب فرموده است: جلباب همان خمار یا روسری زنان است که با آن گردن و سر خود را هنگامی که برای کاری به خارج از منزل می روند، می پوشانند، برخلاف کتیزها که با سر باز بیرون می رفتند. (شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا، ج ۸، ص ۳۶۱).

گذشته از سخن لغویون و مفسرین، بنا بر ادله ذیل نیز می توان مفهوم فوق را از واژه جلباب استنباط کرد: الف) ابن عباس از اهل سنت، که مفسرین اغلب بر کلام او تکیه می کنند، گوید: «الرداء الذی یستر من الفوق الی الاسفل»: جلباب ردائی است که از بالا تا پایین بدن فرد را می پوشاند.» (همان، ص ۵۶۰)

ب) در تاریخ درباره حجاب حضرت زهرا (سلام الله علیها) هنگامی که برای خطبه معروف خود در دفاع از قضیه فدک به مسجد می رفتند، چنین آمده است: "لائت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها" ... حضرت زهرا (سلام الله علیها) هنگام خروج از منزل مقنعه رامحکم بر سر بستند و جلباب را بر روی آن پوشیدند....» (طبرسی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۹۸). این سند تاریخی نیز نشان می دهد که جلباب پوششی متفاوت از خمار بوده و به عنوان پوشش رویی و فراگیر بدن را می پوشانیده است.

ج) همچنین در نهج البلاغه که کتابی در نهایت فصاحت و بلاغت است، امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید: "مَنْ أَحَبَّنَا اَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَسْتَعِدَّ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا": هر که ما اهل بیت را دوست دارد از فقر لباسی آماده کند» و این بدان معنا است که فرد باید جامه فقر بپوشد و سراسر وجود خود را با فقر بپوشاند و یا ایشان به بعضی از کارگزارانش می نویسند: "فالبس لهم جلباباً من اللین": برای مردم پوششی از نرمی بپوش. باز هم بنظر می آید این عبارت بدین معنی است که سراسر وجودت نرم خوبی با مردم باشد. پس گویی در این عبارات جلباب به معنی پوششی سرتاسری بیان شده است. (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۱۹، ص ۳۵۷-۳۵۶).

د) همچنین در آیات حجاب نیز جایی لفظ خمار و جایی لفظ جلباب به کار رفته است که نشان از آن دارد که این دو پوشش با هم تفاوت داشته اند (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ص ۶).

ه) عده ای چون مرحوم طبرسی معتقدند «دنی علی»: به معنی آویزان کردن است پس آیه "يُدْنِينَ عَلِيَهُنَّ مِنَ الْجَلَابِيهِنَّ" بدین معناست که زن ها جلباب را به دوش خود بیندازند و صورت و اطراف بدن خود را با آن بپوشانند. (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۳۳۲). این معنی نیز دال است بر اینکه جلباب پوششی وسیع بوده که بر روی لباس های دیگر پوشیده می شده و اطراف بدن زنان را می پوشانیده است. (همان)

و) همچنین «یدنین علیهن» اگر به معنی نزدیک نمودن نیز باشد، پس نشان می دهد که جلباب، پیراهن نیست؛ زیرا پیراهن به فرد نزدیک است و نزدیک نمودن آن مفهومی ندارد. پس جلباب باید پوششی روی لباس های دیگر باشد که گفته شده است آن را به خود نزدیک کنند و این پوشش به صورت رها و بدون خاصیت پوشانندگی بدن نباشد. (همان)

ز) همچنین روایتی از رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) است که فرمودند: «لتغیر ذی محرم اربعة اثواب درع، خمار، جلباب، ازار»: در برابر نا محرم، باید چهار لباس پوشید: پیراهن، مقنعه، جلباب و شلوار. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۱۰۳، ص ۲۴۲) که در اینجا جلباب چیزی غیر از پیراهن و خمار قرار داده شده است و معنی پوشش روی دیگر البسه را می رساند که بدن را می پوشاند. (همان)

### پوشش زن در ادیان بزرگ الهی

همواره برای رسیدن به ریشه یک مطلب و پی بردن به عمق مسئله، باید آن را از دیدگاه و سیر تحولات تاریخی مورد بررسی قرار داد تا به اهمیت بیش از پیش آن دست یافت. نگرشی به دیگر ادیان الهی انسان را به این مهم منتج می کند که «عفاف و حجاب» و

حفظ آن همواره مورد تأکید خداوند متعال در تمام ادوار و در دوران همه پیامبران الهی بوده است. اما به دلیل آنکه نسخه های اصلی کتب آسمانی به غیر قرآن کریم (تورات، انجیل و...) در دست نمی باشد، نمی توان به صراحت تمام در رابطه با شدت و ضعف حجاب در آن ادیان اظهار نظر کرد. در آیین زردشت، یهود، مسیحیت و اسلام که در این فصل به بررسی آنها می پردازیم. حجاب بر زنان امری لازم بوده است. کتاب های مقدس مذهبی، دستورات و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان چهارگانه، بهترین شاهد و عالی ترین گواه بر اثبات این مدعاست. حجاب زنان، از سنن قدیمی تمدن های بشری بوده است و در ادیان الهی به خصوص زردشت، یهود و مسیحیت مسئله حجاب و رعایت آن مطرح بوده است در بعضی از ادیان مثل دین یهود، مسئله حجاب سخت تر از حجابی است که اسلام می گوید. البته حجاب در بعضی از ادیان الهی گذشته کمی سخت تر از حجاب اسلامی بوده است، هر چند امروزه به آن پای بند نیستند. (علیمردی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۷-۱۳۸)

### حجاب در شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام)

در آئین مقدس حضرت ابراهیم (علیه السلام) مسئله پوشش زنان، حائز اهمیت بوده است. در کتاب تورات چنین می خوانیم: «رفقه» چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ خادم گفت: آقای من است. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید.» (سفر پیدایش، باب ۲۴، فقره ۶۴ و ۶۵). (به گفته مرجع مذهبی یهودیان ایران «خاخام اوریل داودی»، منشأ و وجوب حجاب در شریعت یهود، مستند به همین فقره است). از این بیان روشن می شود که پوشش زن در مقابل نامحرم در شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام) وجود داشته است؛ زیرا «رفقه» در مقابل اسحاق که به او نامحرم بود، از شتر پیاده شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیفتد. (همان)

### حجاب از دیدگاه یهود

رعایت حجاب، عفت و پاکدامنی از دستورات اکید دین یهود است و از جمله مواردی است که از قدیم الایام به دقت رعایت می شده است. رواج حجاب از میان یهود به گونه ی مشهود و مورد تائید مورخین است که بسیاری از مورخین و اندیشمندان رعایت حجاب در اقوام دیگر مثل عرب و ایران ... را در اثر ارتباط آنها با ملت یهود می دانند و نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته اند، بلکه به سخت گیری های زیاد آنان در این باب بسیار گفته اند: «گرچه پوشش در بین اعراب مرسوم نبوده و اسلام آن را بوجود آورد ولی در ملل غیر عرب به شدیدترین شکل رواج داشت. در ایران و در بین یهود و ملتی که از فکر یهود پیروی میکردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه در اسلام می خواست وجود داشت.» (اشتهاردی، ۱۳۵۸: ص ۵۰). رعایت حجاب از دیدگاه تورات بدیهی بوده است و به اشکال مختلف به آن اشاره شده و ارزش حجاب را تا حدی دانسته که در موردی برای تنبیه زنان خطاکار، دستور به بازکردن موقتی حجاب آنها داده است. (تورات، سفر اعداد، باب ۵، فقره ۱۸)

در بسیاری از موارد دیگر نیز به رعایت حجاب در کتاب مقدس اشاره گردیده است.

در تورات خداوند در مورد اهمیت پوشش خاص زنان و مردان و تشبیه مرد و زن به یکدیگر را نهی کرده و چنین فرموده است: «زن، لوازم و لباس مرد را به کار نبرد و مرد لباس زن را نپوشد. زیرا هرکس این کارها را می کند، در نظر خدای خالقت مکروه و ناپسند است.» (همان، سفر تثبیه باب ۲۲، فقره ۵)

## در دیدگاه آیین یهود، حجاب میلی فطری است

میل به پاکی و کسب ارزش‌های انسانی امری است فطری، و نیاز به آموزش ندارد. بنابراین، بر مبنای فطرت، هر انسانی می‌خواهد با عزت زندگی کند. به همین علت، حتی کودکی که هنوز به سن تمیز نرسیده است، از تحقیر بدش می‌آید. بدون شک، حجاب یکی از عواملی است که شخصیت انسان را تضمین می‌کند و میل به آن ریشه در فطرت دارد و برای تأمین سلامت فرد و جامعه، از کمال اهمیت برخوردار است. در داستان حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) در تورات می‌خوانیم: «و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر درختی خوش نما و دلپذیر و دانش افزاست، پس، از میوه آن درخت خورد و به شوهرش نیز داد. او هم خورد، آن گاه چشمان هر دو باز شد و فهمیدند که عریانند. سپس برگ‌های انجیر را به هم دوختند و برای خود ستر ساختند.» در ادامه آمده است: «و خداوند برای آدم و زنش رخت هایی از پوست ساخت و آن‌ها را پوشانید.» (تورات، سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۸-۶ و ۲۱-۲۰). در قرآن این داستان چنین آمده است: **(فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفَقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ)**. (اعراف / ۲۲)؛ آن گاه که (آدم و حوا) از آن شجره ممنوعه چشیدند، پوشش خود را از دست دادند (عورتشان آشکار گردید) و به سرعت، با برگ درختان بهشتی خود را پوشانیدند. در تورات چنین آمده که: حضرت آدم (علیه السلام) پس از یک توقف کوتاه در بهشت، که نصف روز از روزهای آخرت بود، به کوه «نوذ» در کشور هند، و حواء به جدّه فرود آمد. پس از پایان مفارقتی که به وصال منتهی می‌شد، برهنه و عریان بودند. خداوند امر کرد یکی از هشت جفت قوچی که از بهشت به ایشان عطا کرده بود، ذبح کنند. سپس حوا پشم‌های آن را رشت، با دست یاری حضرت آدم (علیه السلام) از تابیده‌های آن یک جامه بلند (جبه) برای آدم (علیه السلام) و یک پیراهن و روسری برای حوا بافته شد. بدین وسیله، بدن انسان‌های نخستین پوشیده گردید و از برهنگی و شرمندگی آن نجات یافتند. (همان). پس از نقل روایت مزبور، برخی از نویسندگان می‌گویند: پیش از اسلام، حجاب و نقاب بوده و بشر در بدو خلقت، پیش از آنکه شرایع آسمانی گوشزد کنند، آن را رعایت می‌کرده است. برخی دیگر سرچشمه دستور پوشش را ساختار و جودی انسان، و آن را بیانگر فطری بودن پوشش او می‌دانند. (همان)

اما با توجه به اینکه انسان ذاتاً گرایش به خوبی‌ها دارد، گرایش به حجاب یک امر فطری است. به همین علت، زنان در تمامی زمان‌های گذشته با حجاب زندگی می‌کرده‌اند و حجاب مورد تقدیر ائمه (علیهم السلام) نیز قرار گرفته، بنابراین جزء سیره قطعیه بزرگان اسلام است که از صدر اسلام تا زمان ما جریان داشته و دارد. پس حجاب محدودیت نیست، بلکه یک امر فطری است که عزت زن در گرو رعایت آن است؛ به این علت که عفاف و حیا خود تدبیری است که زنان باید برای گران بها شدن خود در برابر مردان به کار برند و موقعیت خود را حفظ کنند.<sup>۱</sup> (شهید مطهری، ۱۴۲۰ق: ص ۷۸)

انسان‌های حقیقت‌جو در هر زمان و مکان، واقع‌بینانه می‌اندیشند. این یک حقیقت است که در فصل تابستان جرایم و آثار آن بیشتر مشهودند تا فصل زمستان. اغلب کارشناسان یکی از علل مؤثر بر این موضوع را نبود حجاب یا کم بودن آن در فصل تابستان می‌دانند. پس این سخنان، که پاکی زن به لباسش نیست، دل باید پاک باشد، چادر بیشتر مرد را کنجکاو و تحریک می‌کند، «**الانسان حریص علی ما منع**» (یعنی انسان نسبت به آنچه منع شده حریص است)، منطقی نیستند. (همان). چارلی چاپلین، بازیگر کم‌دین و غیرمسلمان، طی نامه‌ای به دخترش، ژاکلین، بدحجابی و بدن عریان زنان را موجب فلاکت و بدبختی جامعه دانسته، رعایت حجاب را از عوامل مؤثر جلوگیری از فساد و تباهی می‌داند. در اینجا به تناسب موضوع به برخی از فرازهای نامه اشاره می‌گردد... کار تو (ژاکلین)

۱ - مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۳۸۶ و ۳۹۱

بسی دشوار است، این را می‌دانم. به روی صحنه، جز تکه‌ای حریر نازک، چیزی بدن تو را نمی‌پوشاند. به خاطر هنر، می‌توان لخت و عریان روی صحنه رفت، (البته از دیدگاه ایشان) و پوشیده تر و باکره تر بازگشت. اما هیچ چیز و هیچ کس دیگر در این جهان نیست که شایسته آن باشد که دختری ناخن پایش را به خاطر او عریان کند. (مهدی زاده، ۱۳۸۱: در پاورقی سوال اول، ص ۵). وی ادامه می‌دهد: برهنگی، بیماری عصر ماست، و من پیرمردم و شاید که حرف‌های خنده آور می‌زنم، اما به گمان من، تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست می‌داری. (همان)

### حجاب در شریعت عیسی (علیه السلام)

پوشش و عفاف از آن جهت که امری فطری و برای حیات اجتماعی انسان ضروری است، در ادیان و مذاهب الهی دارای جایگاه خاصی است. همه ادیان آسمانی، حجاب و پوشش را بر زن واجب و لازم شمرده‌اند و جامعه بشری را به سوی آن فرا خوانده‌اند و رعایت عفت و پوشش، در تمام ادیان توحیدی، به عنوان یک امر ضروری مورد توجه است. در کتاب انجیل آمده است: پولس در رساله خود به قلدنتیان تصریح می‌کند: «اما می‌خواهم شما بدانید که سرهمردم، مسیح است و سرزن، مرد و سر مسیح، خدا. هر مردی که سرپوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا می‌نماید. اما هرزنی که سربرهنه دعا کند، سرخود را رسوا می‌سازد؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود. زیرا اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز ببرد و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بیوشد؛ زیرا که مرد را نباید سر خود را بیوشد چون که او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است؛ زیرا که مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. از این جهت زن می‌باید عزتی بر سر داشته باشد، به سبب فرشتگان ... دردل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن نا پوشیده نزد خدا دعا کند.» (سفر پیدایش، باب ۱۱، آیه ۱۴-۳). پس در جایی که برای دعا باید سرزن پوشیده باشد، به هنگام روبه رو شدن با نامحرم پوشش سر لازم تر خواهد بود. و نیز در این ارتباط، نگاهی به «انجیل» می‌اندازیم که، در رساله پولس، به تیمو تاوس می‌گوید:

«و همچنین زنان خود را بیارایند به لباس حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران بها، بلکه چنان که زنانی را می‌شاید که دعوی دینداری می‌کنند به اعمال صالحه.» (انجیل، رساله پولس رسول به تیموناوس، باب دوم، فقره ۱۵۹). همچنین درباره وقار و امین بودن زن می‌خوانیم: «و به همین گونه زنان نیز باید با وقار باشند و نه غیبت‌گو؛ بلکه هوشیار و در هر امری امین.» (همان، باب سوم، فقره ۱۱). مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید. (معین الاسلام، ۱۳۸۶: ص ۱۹) چرا که عیسی گفت: فکر نکنید که من آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را منسوخ کنم، بلکه آمده‌ام تا آن‌ها را به تحقق برسانم (عهد جدید، انجیل متی، باب ۷۰). بنابراین مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزئین فرا خواند. که در قسمت مستندات فقهی به این مسئله به نحو مبسوط پرداخته خواهد شد. برابر متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان - حتی برای خاتون‌های اشراف - ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت آن را تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس و یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرم‌ان، شرکت می‌جستند. (محمدی آشتیانی، ۱۳۷۹: ص ۱۶۵ به نقل از انجیل، رساله اول پولس رسول به قرتنتیان، باب یازدهم، فقره ۱-۱۷). همچنین در انجیل می‌خوانیم: زنان پیر در سیر متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو. تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند. و خرداندیش و عقیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود. (انجیل، رساله پولس به تیتوس، باب دوم، فقره ۶-۱).

همچنین ای زنان، ... و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس، بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست. زیرا بدین گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت می نمودند. (انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۶ - ۱).

افزون بر موارد پیشین، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی، (انجیل، رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب یازدهم، فقره ۱۷ - ۱). لزوم سکوت به ویژه در کلیسا، (همان، باب چهاردهم، فقره ۳۴ - ۳۶). با وقار و امین بودن زن. (انجیل، رساله پولس رسول به تیموناؤس، باب سوم، فقره ۱۱).

در مورد سیره عملی زنان مسیحی، دائرة المعارف لاروس می گوید: دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد؛ وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود. (مذهب شیرازی، زن و آزادی، ص ۶۵).

ویل دورانت نیز در مورد سیره عملی زنان مسیحی چنین می نویسد: ساق پای زنان چیزی نبود که در ملاء عام و یا رایگان به چشم خورد.... البسه بانوان در جشن های نظامی، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال ها، درازی جامه های خواتین را معین میکردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن ها، چادرها را از مشمش ظریف و حریر زربفت ساختند.... (ویل دورانت، ۱۳۹۱: ج ۴، ص ۷۵۷).

تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می دهد. (براون و اشنایدر، ۱۳۷۰: ص ۱۱۶).

### مستندات فقهی، پوشش در آیین مسیحیت

در مسیحیت - همانند ادیان زردشت و یهود - حجاب امری معمول و مورد تأیید است. مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه در برخی موارد، از آن قدم فراتر نهاد؛ و با سخت گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخت، زیرا در شریعت یهود تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس شمرده می شد. و طبق نوشته ویل دورانت، در کتاب «تاریخ تمدن»: ازدواج در سن ۲۰ سالگی اجباری بود. اما دردیدگاه مسیحیت، مجرد مقدس شمرده شده است؛ از این رو، جای هیچ شبهه ای باقی نخواهد ماند که برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج جنسی، این مکتب، زنان به رعایت پوشش، عفت کامل و دوری از هرگونه آرایش و تزئین، به صورت شدیدتری فرا خوانده شده اند. البته در تعالیم مسیحیت تأکید بیشتر بر ترک عموم لذات دنیوی و از بین بردن شهوت است؛ از این رو، رهبانیت در قرن ۴ و ۵ در این آیین به وجود آمد. زنان راهبه مسیحی با رعایت عفت کامل و حجاب، مشغول خدمت به مردم شدند. (ویل دورانت، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۳۲۸). (شایان ذکر است که اکنون مسیحیت، ازدواج را برای تمام مسیحیان مقدس می شمرد و تنها آن را برای پاپ و اسقف های کلیسا ممنوع می داند).

در انجیل بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فرا خوانده است. در انجیل می خوانیم: زنان جوان خرداندیش، عقیقه، خانه نشین، نیکو و مطیع شوهران خود باشند. دستورات دینی پاپ ها و کاردینال های مسیحی که براساس آن، پوشاندن صورت الزامی و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ کردن گوش ها و آویختن گلوند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ کردن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود. (انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۶ - ۱).

## حجاب در مسیحیت

در مسیحیت، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده است. «جرجی زیدان»، دانشمند مسیحی در این باره می گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع، قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح، معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است.» مسیحیت نه تنها احکام دین یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداده و قوانین شدید آن را استمرار بخشیده است، بلکه در برخی موارد، قدم را فراتر نهاده و با تاکید بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخته است، زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج، امری مقدس محسوب می شد (موسوی، ز، ۱۳۹۱، ص ۱۵).

## حجاب در آیات قرآن، تفاسیر و روایات

در این آیات احکام و شریعی که متناسب و مناسب با مطالب گذشته است تشریح شده است.

**"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ"** (نور/ ۲۷). شما که ایمان دارید به خانه هیچ کس غیر از خانه های خود داخل نشوید تا آنکه آشنایی دهید و بر اهلیش سلام کنید این برای شما بهتر است امید است که پند گیرید. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ص ۱۵۵ و ۱۵۶)

## شان نزول

در روزگار نزول قرآن مردم بدون اعلام قبلی به خانه های یکدیگر وارد می شدند، دست کم خویشان و نزدیکان این کار را روا می داشتند، طبری در این خصوص چنین آورده است که:

زنی از انصار نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و گفت: ای رسول خدا! اوقاتی است که مرا حالتی می باشد که نمی خواهم مرا کسی حتی پدرم یا فرزندانم در آن حالت ببینند و ایشان در سرای من می آیند و مرا از آن کراهت است. سپس خداوند این آیه را نازل فرمودند. (طبری، ۱۴۰۰: ج ۱۰، ص ۱۱۰). این شأن نزول را مفسران دیگر نیز نقل کرده اند، که به خوبی روشنگر رقم زدن یکی از آداب اجتماعی است. در جهت تحفظ بر عفت عمومی و حراست از رازها و ناپیدایی های درون خانه که فقط باید در محدوده ی همان چهار دیواری باشد. (زحیلی، ۱۳۸۲: ج ۱۸، ص ۱۹۸)

## سوره ی مبارکه ی نور آیه ی شریفه ی ۳۱

قرآن کریم می فرماید:

**"وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ"** (نور/ ۳۱)

و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که (طبعاً) از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش (فرو) اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان (همکیش) خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که (از زن) بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند و پاهای خود را (به گونه ای به زمین) نکوبند تا آنچه از زینشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی (از مرد و زن) به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید. (ترجمه فولادوند)



### سوره مبارکه ی نور آیه ی شریفه ۳۳

علامه طباطبائی در ادامه ی آیه ی حجاب در تفسیر المیزان ذیل آیه ی ۳۳ سوره ی مبارکه ی نور چنین توضیح داده است:

« وَ لِيَسْتَعْفِفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَىٰ الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَن يَكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ » (نور/۳۳)

و کسانی که (وسیله) زناشویی نمی یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند. و از میان غلامانتان، کسانی که در صددند با قرارداد کتبی، خود را آزاد کنند، اگر در آنان خیری (و توانایی پرداخت مال) می یابید، قرار بازخريد آنها را بنویسید، و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید (تا تدریجاً خود را آزاد کنند)، و کنیزان خود را- در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند- برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجوید، به زنا وادار مکنید، و هر کس آنان را به زور وادار کند، در حقیقت، خدا پس از اجبار نمودن ایشان، (نسبت به آنها) آمرزنده مهربان است. (ترجمه فولادوند)

### سوره ی مبارکه ی احزاب آیه ی شریفه ی ۵۹ از منظر علامه طباطبائی

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا. » (احزاب/ ۵۹)

هان ای پیامبر! به همسران، و دختران و زنان مؤمنین، بگو تا جلباب خود پیش بکشند، بدین وسیله بهتر معلوم می شود که زن مسلمانند، در نتیجه اذیت نمی بینند، و خدا همواره آمرزنده رحیم است. در کل از این آیات و روایات نتیجه می گیریم که: زنان باید با پوششی گشاد و بزرگ، سر و سینه (بدن) را بپوشانند به گونه ای که مورد تهییج هوسبازان و مزاحمت آنان قرار نگیرند. در تفاسیر گوناگونی که به آنها اشاره شد در پوشاندن بدن غیر از صورت و دست ها از مچ به پایین با اتفاق نظر وجود دارد. آنچه که در میان آنها متفاوت است موضوع پوشاندن پاها از مچ به پایین و همچنین حد استفاده از زیورآلات است، یعنی بخشی از آنچه که در قرآن به عنوان «زینت ظاهری» برای پوشاندن، استثناء شده است. و هم چنین قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. در مورد استثنائات حجاب، نخست به زنان سالمند اجازه می دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می گوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس هایی مثل چادر را نیز بر ندارند، بهتر است.

در قالب کتب تفسیر و در روایات امامان شیعه به طور صریح عنوان شده که مقصود از زینت ظاهری همان چهره و دست ها از مچ به پایین و پاها از مچ به پایین و همینطور جامه و لباس، سرمه، سوسه و انگشتر و خضاب و النگو و گلگونه است. و این ها شامل وسایل زینت بانوان در آن عصر می باشد. یعنی قرآن و بعد از آن تفسیر ائمه با علم به مقتضیات زمان و همین طور فطرت و نیاز انسان ها به زیبایی در تعیین حد پوشش استفاده زنان را از وسایل زینت (که قبلاً عنوان شد) منع نکرده اند.

به نظر می رسد مراجع تقلیدی که دست کم آراء آنها در اینجا ذکر شد حدود حجاب را صرفاً چهره و دست ها از مچ به پایین تلقی می کنند و هر آنچه که زینت عرفی محسوب می شود جایز نمی شمردند. همین طور دیدگاه دیگری نیز وجود داشت که حد زینت را تا آنجا مجاز می شمرد که بانوان با زنان ویژه و خیابانی اشتباه گرفته نشوند و البته پوششی که در قرآن آورده شده را یک الزام اخلاقی تلقی می کند و نه فقهی و حقوقی. با وجود همه این آراء در اینجا آنچه که قرآن و تفاسیر عمده و امامان شیعه بیان کرده اند را به عنوان تعریف قراردادی حجاب در نظر می گیریم. و البته در مسیر یافتن میزان تفاوت تعریف قراردادی و تعریف تحلیلی واژه «باحجاب» میزان تفاوت تعاریف بیان شده در «قرآن و دیدگاه مفسران و امامان شیعه» بادیدگاه و آراء بیان شده از سوی مراجع تقلید بسیار قابل توجه می نماید. و میزان سخت گیری آنان سوال برانگیز خواهد بود.

## مقایسه حجاب در ادیان سامی: اسلام، یهود و مسیحیت

تفاوت اساسی حجاب اسلامی با حجاب ادیان گذشته، در این است که اسلام وجوب پوشش زنان را متناسب با شئون انسان، با تعدیل و نظم مناسب و به دور از افراط و تفریط، سهل انگاری مضر یا سخت گیری بی مورد به جامعه بشری ارزانی داشته است. حجاب اسلامی همچون حجاب مورد توصیه پاپ ها، به معنای حبس زن در خانه یا پرده نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه گری و خود نمایی نپردازد تا در جامعه، غریزه آتشین جنسی تحریک نگردد؛ بلکه در محیط خانواده، این غریزه به صورت صحیح ارضا گردد.

هدف این بحث صرفاً ارائه مستندات شرعی برای توجه ادیان بر مسئله پوشش و حجاب بود تا نشان داده شود، فرهنگ به تنهایی بر این مهم تأکید نداشته است؛ بلکه ادیان، هماهنگ با فطرت آدمی، گرایش به پوشش و عفاف را به عنوان یک اصل پسندیده مطرح کردند در ادیان، صرفاً به حجاب ظاهری تأکید و بسنده نشده؛ بلکه حجاب باطنی به عنوان آراستگی درونی و تلاش در جهت تأدیب نفس برای هر مردوزن متدین توصیه شده است. از دیگر مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله فرهنگ پذیری است که بر تمام شئون اجتماعی تأثیر دارد. حتی نحوه تغذیه، پوشش و نیز چگونگی تفریح و تفریح را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. هنگامی که عملی به عنوان فرهنگ جهانی در جامعه تبلیغ شد، آن جامعه بدون توجه به اعتقادات و مصالح خود، تن به فرهنگ به اصطلاح جهان می‌دهد؛ در حالی که ادیان در عرصه اصیل خود انسان را به ارزش‌های والای انسانی سوق می‌دهند و از چهره ی زن، مریم، آسیه، خدیجه و سرانجام، فاطمه (سلام الله علیها) را می‌سازد. از بررسی و مقایسه حدود و کیفیت حجاب در ادیان چهارگانه استنباط می‌گردد که حجاب در ادیان دیگر، نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است. به طور مثال، پوشاندن صورت، گرچه در زمان زرتشت معمول نبوده و بعد از او در میان زرتشتیان معمول شده است اما طبق آنچه گذشت، چادر و روبنده از ارکان اخلاقی مسیحیان و یهودیان محسوب می‌شده است؛ در حالی که بنابر نظر اکثر فقهای اسلامی، پوشاندن صورت واجب نیست. لزوم کناره‌گیری کامل زن در حیض در دین زرتشت، محق دانستن مرد در طلاق زنی که صدایش در کوچه شنیده شده بدون پرداخت مهریه از طرف دین یهود، رکن بودن چادر و روبند و ذکر نام آن دو به طور صریح در کتاب مقدس مسیحیان و وجوب سکوت زن نزد بیگانه و در کلیسا از طرف مسیحیت، بهترین گواه بر این مطلب است. بنابراین، نه تنها اسلام واضح قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد، ارائه نموده است.

بنابراین نتیجه کلی که از این مباحث (بررسی حجاب در ادیان سامی «اسلام، یهود و مسیحیت») می‌گیریم این است که: حجابی که خداوند برای ما مسلمانان الزام کرده، در تمام ادیان خداوند تعالی منظورش همین حجاب است که آیات آن در قرآن سور مبارک (نور، احزاب، و...) آمده است. ولی بر اثر مخالفت‌هایی که در هر امت زمان بوجود می‌آمده، مورد تحریف واقع شده است. پس بنابراین نتیجه می‌گیریم آیات حجاب که در سوره‌های نور و احزاب وجود دارد، با آیاتی که در تورات و انجیل بوده شاید تفاوت چندانی نداشته باشد و کاملاً مفهومان یکی باشد. و در همه ی آنها خداوند برای زن ارزش خاصی قائل بوده است. سپاس خدایی را که می‌خواهد زن را از گزند روزگار در امان نگه دارد. هم چنان که صدف را برای در حفظ قرار داده بر زن نیز حجاب را حفاظ قرار داده است.

## نتیجه گیری و بحث :

حجاب علاوه بر اسلام در ادیان دیگر هم مطرح بوده و به آن اهمیت می دادند. از این رو، حجاب یک پدیده ارزشمندی است که ضرورت آن حتی در بین اقوام و جوامع مختلف قبل از اسلام احساس گردیده بود و اگر احیاناً اشکالی هم در عایت حجاب باشد، نه فقط متوجه اسلام، بلکه شامل همه کسانی است که حجاب را یک امر انسانی تلقی می کنند. و اینکه هدف بی توجهی برخی به حجاب و نادیده گرفتن آن به منظور دست یابی به منافع بزرگ مالی بوده است؛ زیرا زنان عریان را کم هزینه ترین و سهل ترین وسیله تبلیغاتی برای وصول به آن هدف می دانستند و بدون شک برای این منظور از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. رعایت حجاب، همانند شخصیت طلبی و عفت خواهی، بازگشت به فطرت اصیل انسانی می کند؛ از این رو، رعایت حجاب ارزش گذاردن به زن و نوعی تکریم به اوست، نه دلیل بر نقص وجود او. زن با رعایت حجاب، از آلودگی مصون می ماند، زیرا زمینه هرگونه سوء استفاده از او منتفی می گردد.

## منابع

۱. قرآن. ترجمه فولادوند؛ انصاریان؛ مکارم شیرازی؛ علامه طباطبایی .
۲. نهج البلاغه، سیدرضی (گردآورنده)، (۱۳۸۶)، ترجمه محمد دشتی، چاپ نهم، قم: نشر الهادی.
۳. ابن عربی، محمد، (بی تا). ترجمه منال رحمنی تفسیر و اشارات القرآن، ج ۳، دمشق: نشر مطبعه نصر.
۴. اشتهازدی، ابوالقاسم، (۱۳۸۲). الحجاب فی الاسلام، قم: (بی جا)، (بی تا).
۵. انجیل متی، (بی تا). عهد جدید، باب ۷۰، (بی جا)، (بی تا).
۶. —، رساله پولس بتیطس، (بی تا). باب دوم، فقره ۱ - ۶. (بی جا)، (بی تا).
۷. براون، کوین و اشنایدر، (۱۳۷۰)، پوشاک اقوام مختلف، مترجم: کیوان شکوهی، تهران: نشر کارگاه هنر.
۸. بیرقی اکبری، م، (۱۳۷۷). تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، اصفهان: نشر پیام عزت.
۹. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲). نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، تهران: نشر علمی.
۱۰. تورات، سفر اعداد، (بی تا). باب ۵، فقره ۱۸. (بی جا)، (بی تا).
۱۱. —، سفر تثنیه، (بی تا). باب ۲۲، فقره ۵، (بی جا)، (بی تا).
۱۲. —، سفر پیدایش، (بی تا). باب ۲۴، فقره ۶۴ و ۶۵، (بی جا)، (بی تا).
۱۳. —، کتاب استر، عهد عتیق، باب اول، آیه ۱۰.
۱۴. —، (بی تا). باب ۳۱، فقره ۱۳ - ۱۰. (بی جا)، (بی تا).
۱۵. حر عاملی، م، (۱۴۱۴ ق)، وسائل الشیعه، چاپ دوم، قم: نشر آل البيت لإحياء التراث.
۱۶. دورانت، و، (۱۳۶۷). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی.
۱۷. راغب اصفهانی، ح، (۱۴۱۶ ق). مفردات الفاظ قرآن، قم: نشر ذوی القربی.
۱۸. —، (۱۳۹۰). مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه: استادعقیقی بخشایشی (۱۳۸۷). چاپ چهارم، قم: نشر نوید اسلام.
۱۹. زحیلی، و، (بی تا). التفسیر المنیر، چاپ اول، دمشق: نشر دارالفکر.
۲۰. زمخشری، م، (۱۳۵۲). تفسیر کشاف، ج ۳، قم: نشر دارالکتب الاسلامیه.

۲۱. \_\_\_\_\_، (بی تا). **الكشاف عن حقایق غوامض التنزیل**، ج ۳، بیروت، نشر: دارالکتاب العربی.
۲۲. سپهر، محمد تقی بن محمد علی، (۱۳۷۷). **ناسخ التواریخ**: تاریخ قاجاریه، تهران: نشر اساطیر.
۲۳. سجستانی، سلیمان بن اشعث، (۱۴۱۰). **سنن ابی داوود**، ج ۴، چاپ اول، بیروت: نشر دارالفکر.
۲۴. سیوطی، ع، (۱۴۰۳ق). **تفسیر الدر المنثور**، بیروت، نشر: دارالفکر.
۲۵. ضیاء پور، جلیل، (۱۳۴۷). **پوشاک زنان ایران از کهن ترین زمان**، تهران: نشر وزارت فرهنگ و هنر.
۲۶. طوسی، م، (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**، ج ۸، بیروت: نشر: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. طباطبایی، س، (۱۳۷۴). **ترجمه تفسیر المیزان**، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶ و ۱۵، قم: دفتر نشر اسلامی.
۲۸. طبرسی، اب، (۱۳۸۰). **مجمع البیان**، ج ۷، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت ارشاد اسلامی.
۲۹. \_\_\_\_\_، ح، (۱۴۱۲ق)، **مکارم الخلاق**، چاپ چهارم، قم: نشر شریف رضی
۳۰. \_\_\_\_\_، اح، (۱۳۸۱). **الاحتجاج**، ج ۱، تهران، نشر: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. طبری، م، (۱۴۰۰ق). **جامع البیان**، ج ۹، بیروت: نشر دار الاحیاء التراث العربی.
۳۲. عابدینی، احمد، (۱۳۸۶). **معبد ایمان مناسک حج در قالب داستان**، تهران: نشر مشعر.
۳۳. عبدالله پور، نازی، (۱۳۹۰). **ژولیده موی غبار آلود**، چاپ اول، تبریز: نشر مولی علی.
۳۴. علیمردی، مهناز؛ علیمردی محمد مهدی، **حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت**، مجله معرفت ادیان، سال اول، (۱۳۸۹) شماره سوم.
۳۵. فیض کاشانی، م، (بی تا). **تفسیر الصافی**، ج ۴، مشهد: نشر دارالمرتضی.
۳۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸ ق). **الوافی**، اصفهان: نشر مکتبه امیر المومنین (علیه السلام).
۳۷. قرائتی، م، **مجموعه فیش های تبلیغی ۱ و ۳**.
۳۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳). **تفسیر نور**، چاپ یازدهم، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۳۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، **اصول عقاید**، چاپ هشتم، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۴۰. مجلسی، م، (بی تا). **بحار الأنوار**، چاپ سوم، ج ۲۹، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه
۴۱. محمدی آشتیانی، ع، (۱۳۷۹)، **حجاب در ادیان الهی**، قم: نشر اشراق.
۴۲. مطهری، م، (بی تا). **مسئله حجاب**، قم: نشر صدرا.
۴۳. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۰ ق). **مجموعه آثار**، قم: نشر صدرا.
۴۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۶). **نظام حقوق زن در اسلام**، چاپ بیست و سوم، قم: نشر صدرا.
۴۵. معین، م، (۱۳۴۶). **فرهنگ فارسی معین**، چاپ ۷، ج ۱، تهران: نشر امیر کبیر.
۴۶. معین الاسلام، مریم، (۱۳۸۶)، **پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم**، تهران: نشر مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما
۴۷. مکارم شیرازی، ن، (۱۳۸۰). **برگزیده تفسیر نمونه**، ج ۱۷ و ۱۴، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. ملاصدرا، ص، (۱۹۹۹م) **شرح اسفار**، ج ۴، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۴۹. موسوی، زهره سادات؛ (۱۳۹۱)، **عفاف و حجاب در ادیان الهی، زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام**؛ (بی جا) نشر سهره.

۵۰. مهدی زاده، ح، (۱۳۸۱). **حجاب شناسی چالش‌ها و کاوش‌های جدید**، قم: نشر موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).
۵۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷). **پرسمان حجاب (پژوهشی در باب پوشش حجاب از دیدگاه قرآن)**، چاپ دوم، قم: نشر صهبای یقین.
۵۲. \_\_\_\_\_، مفهوم، فلسفه و فواید حجاب، از سایت پایگاه باشگاه اندیشه .
۵۳. \_\_\_\_\_، «هم‌گونی جلباب قرآنی و چادر مشکی»، مجله پیام زن، (۱۳۸۵) شماره ۱۷۷.
۵۴. مهریزی، م، (۱۳۸۵). **حجاب**، چاپ چهارم، (بی‌جا): نشر کانون اندیشه جوان.
۵۵. هدایت خواه، (۱۳۷۴). **زیور عفاف**، مشهد، خراسان: نشر معاونت پرورشی سازمان آموزش و پرورش .
۵۶. نیشابوری، م، **صحیح مسلم**، ج ۴، ۱۴۱۲ق، ج ۴، قاهره، مصر: نشر دارالحدیث.

57. [www.women.gov.ir](http://www.women.gov.ir)

58. <http://salehin.ir>

59. [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net)

60. [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)

61. [www.iranjewish.com](http://www.iranjewish.com)

## Abstract

This dissertation as regards islamic religions and with descriptive\_analyzation styles and so visionary and attributiv look out in dagate about falsity and verity of veil and also analyse the veil in three religions in Hebrew christian and Islam. The veil is light of divine creation that presence of it is plant of flesh groth and prime to achive grand place of civilization.the paradigms of quran and also our sinless imams's life style show us this divine brief in beter way.in this dissertation veil is meet as a mental and rational request and it focuse on basis of family not cultureinteraction between difrent culture from the qurans sight in islam we have enough information about veil but in chirstion religons that is sub of hebrew the veil of women compress in appard the hair only for strange mans when they are pray and bless and they just appared their hand up to elbow and belay they legs up to talus.This research consist 3 term and every terms contain so many term and it is so splay topic. First term: all the emental quest and contention that comport every correlate word about veil for example coverage .that surrey the history of veil in 4 away of veil memoir and philosophy pharase and quran. And in the second term the veil is survey in 5 religons contain chirstion hebrew parsi tuddhis and abram religon .In the third term veil is survey in islam that contain 7 part that they study diffrent anotation about paradigms of nour sora and the paradigma about veil(nour 60- 33- 31- 30 and ahzab 59) and imams words and shia advices at the end they comparative the veil in difrent religons and answer all the misgiving about it.The veil is light of divine creation that presence of it is plant of flesh groth and prime to achive grand place of civilization.the paradigms of quran and also our sinless imams's life style show us this divine brief in bether way.in this dissertation veil is meet as a mental and rational request and it focuse on basis of family not cultureinteraction between difrent culture from the qurans sight in islam we have enough information about veil but in chirstion religons that is sub of hebrew the veil of women compress in appard the hair only for strange mans when they are pray and bless and they just appared their hand up to elbow and belay they legs up to talus.This research consist 3 term and every terms contain so many term and it is so splay topic .First term:all the emental quest and contention that comport every correlate words about veil for example coverage that surrey the history of veil in 4 away of veil memoir and philosophy pharase and quran. And in the second term the veil is survey in 5 religons contain chirstion hebrew parsi tuddhis and abram religonIn the third term veil is survey in islam that contain 7 part tat they study diffrent anotation about paradigms of nour sora and the paradigma about veil(nour 60- 33- 31- 30 and ahzab 59) and imams words and shia advices at the end they comparative the veil in difrent religons and answer all the misgiving about it.

**Keywords:** Veil, Chador, Coverage, the Look, Chastity, Islam, Jewish, Christianity